

کتابخانه‌های افغانستان

غلامرضا امیرخانی*

مرزها بر روی نقشه و در عالم سیاست کاملاً مهم و معتبر و نشانگر قلمروهای جغرافیایی و سیاسی هستند، اما در عرصه فرهنگ، مرزها از اعتبار می افتد و آنچه رخ می‌نماید، جلوه‌های ادب و هنر و تاریخ و تمدن اقوام است که اشتراک در هریک از آنها، پدیدآورنده پیوند و همبستگی خواهد بود. حال اگر این پیوستگی در تمام جنبه‌ها باشد، دیگر سخن گفتن از دو قوم و دو ملت آسان نیست؛ این دو را باید اجزای یک تن نامید که دست روزگار بین آنها جدایی افکنده و در قالب دو سرزمین آورده است. دو کشور ایران و افغانستان را باید آشکارترین نمونه این اوصاف در پهنه گیتی دانست. زبان پارسی، تاریخ هزاران ساله، مفاخر علم و ادب، بزرگان فرهنگ و هنر مشترک میان دو ملت، گونه‌هایی از پیوند ناگسستنی به شمار می‌آیند که در شعر خلیل‌الله خلیلی، شاعر معاصر افغان، چنین تجلی کرده است:

ز آغاز تاریخ، ایران و افغان	سر خوان دانش چون اخوان نشسته
ز باغی دو سرو روان قد کشیده	به شاخی دو مرغ خوش‌الحان نشسته
دو شاگرد فطرت دو استاد مشرق	دو همدرس در یک دبستان نشسته

*. عضو هیئت علمی کتابخانه ملی و مدیر پروژه بازسازی کتابخانه‌های افغانستان.

نه تنها نظامی است پابند گنج نه هم فرخی در سجستان نشسته
 اما دیدار از افغانستان و تجربه آنچه را که در کتاب‌ها خوانده‌ای، از نزدیک دیدن و
 لمس کردن، ژرفا و وسعت این همدلی و همگونی را بهتر نمایان می‌سازد. در هرات و
 کابل و بلخ و غزنه، نه تنها زبان و فرهنگ، بلکه چهره‌ها نیز ایرانی و آشناست.
 آن همه مصیبت و ویرانی از پی ۲۳ سال جنگ با اشغالگران و نبرد میان گروه‌های
 داخلی گرفته، تا پنج سال سلطه تحجر و واپسگرایی طالبانی، زیرساخت‌های فرهنگی
 و بنیان‌های مدنی را عمیقاً تخریب و یا دست‌کم دچار رکود نموده است. ولی آن
 معرفت و احساس نوع دوستی را، که مختص شرقیان است و بس، نتوانسته به طاق
 نسیان بسپارد. به کرات این صحنه اتفاق می‌افتد که راننده تاکسی، زمانی که به ایرانی
 بودن مسافر خود پی می‌برد، به هیچ وجه راضی به دریافت وجه نمی‌شود و این در حالی
 است که زندگی قاطبه مردم با سختی می‌گذرد.

مردم کوچه و بازار افغانستان، دلیل محکمی بر این نظریه هستند که هیچ چیز، حتی
 جنگ و ویرانی خانمانسوز، قادر به نابودکردن فهم و آگاهی آدمیان نیست. سخن‌گرافی
 نیست اگر افراد عادی، اعم از کارمند و کاسب و دانشجوی افغان را از هم‌قطاران خود در
 کشورهای پیشرفته جهان، آگاه‌تر و باهوش‌تر در مسائل روز بینداریم.

کتابخانه‌ها

بازسازی کتابخانه‌های کشور افغانستان، مأموریتی بود که از جانب دولت جمهوری
 اسلامی ایران به کتابخانه ملی و اگدار و بودجه مربوط نیز توسط ستاد مشارکت در
 بازسازی افغانستان با تصویب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اختصاص داده شده بود.
 نخستین هیئت از جانب کتابخانه ملی در مهرماه سال ۱۳۸۱ به منظور بررسی امکانات
 و نیازها عازم کابل شد. آنچه که در پی هشت روز بازدید از کتابخانه‌ها و سایر مراکز
 فرهنگی حاصل شد، به‌طور خلاصه تعیین استراتژی بازسازی این مراکز به شرح زیر
 بود:

۱. آغاز کار از کتابخانه‌های اصلی پایتخت، شامل: کتابخانه عامه و کتابخانه مرکزی
 دانشگاه کابل و همچنین آرشیو ملی افغانستان.
۲. تنظیم جدول زمانی برای آغاز برنامه و تسری آن در مراحل بعدی به
 کتابخانه‌های سایر ولایات.

۳. اقدام اساسی در راستای آموزش نیروی انسانی. تقریباً تمام کتابخانه‌ها از وجود نیروی متخصص بی‌بهره بودند.
۴. استمرار آموزش در چهار سطح:

 - الف. برپایی دوره‌های کوتاه‌مدت در افغانستان
 - ب. برپایی دوره‌های کوتاه‌مدت پیشرفته در ایران
 - ج. اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان افغانی در رشته کتابداری
 - د. راه‌اندازی مقطع کارشناسی کتابداری در دانشگاه کابل
 ۵. تهیه منابع مورد نیاز به ویژه در حوزه‌های زبان و ادب پارسی، تاریخ ایران، کتاب‌های مرجع و متون دانشگاهی
 ۶. ارسال منابع و دروسنامه‌های کتابداری برای استفاده در کتابخانه‌های مختلف
 ۷. ارسال تجهیزات مناسب، اعم از رایانه، تجهیزات اسکن و چاپ، قفسه کتاب و سایر مواد لازم.

آغاز عملیات اجرایی

- پس از سفر هیئت دوم در اردیبهشت ۱۳۸۲ و پیش‌بینی تمهیدات لازم، مراحل اجرایی کار از خرداد ماه به شرح زیر صورت پذیرفت:
۱. برپایی دوره کوتاه‌مدت آموزش کتابداری و رایانه توسط سه تن از استادان ایرانی در دانشگاه کابل با حضور ۵۵ کتابدار از سازمان‌های زیر:
 - کتابخانه دانشگاه کابل
 - کتابخانه عامه کابل (مرکزی و شعبات)
 - کتابخانه رادیو و تلویزیون
 - کتابخانه وزارت داخله
 - آرشیو ملی
 - انتشارات بیهقی
 ۲. انتخاب ۲۴ نفر از کتابداران فوق براساس آزمون پایان دوره
 ۳. برپایی دوره پانزده روزه آموزش کتابداری در کتابخانه ملی ایران، همراه با بازدید از مراکز فرهنگی و کتابخانه‌های مهم کشور، نظیر کتابخانه آیت‌الله مرعشی (قم)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور و

- آرشیو صدا و سیما (در نیمه اول شهریور ۱۳۸۲).
۴. اهدای ۳۷۰۰۰ جلد کتاب در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه منابع مرجع.
۵. اهدای ده دستگاه رایانه، تجهیزات کتابخانه‌ای (قفسه، میز، صندلی)، دستگاه اسکن و دستگاه آفت‌زدایی مخصوص نسخه‌های خطی.

آرشیو ملی

در ابتدای جاده معروف به سالنگ، ساختمان زیبایی خودنمایی می‌کند که معماری خاص و نبود آثاری از دوران جنگ، آن را از دیگر بناهای شهر کابل متمایز کرده است. آرشیو ملی یا به قول افغان‌ها آرشیف ملی، اقبال بلندی داشته که نه تنها ساختمان، بلکه موجودی آن نیز از تطاول روزگار در امان مانده است. این بنا در اصل کاخ کوچکی بوده که امیر عبدالرحمان خان (۱۲۲۳-۱۲۸۰ ش) برای پسرش ساخته بود، ولی با مرگ وی در زمره ساختمان‌های دولتی درآمد. بازگشایی آرشیو ملی افغانستان به فروردین ۱۳۸۱ و روزهای آغازین حکومت حامد کرزی برمی‌گردد که به دست خود او صورت پذیرفت.

ساختمان آرشیو از دو سالن اصلی تشکیل شده است. در یک سالن نمونه‌هایی از اسناد تاریخی موجود و در سالن دیگر، نسخه‌های خطی نفیس به نمایش درآمده است. البته تنها تصویری از اسناد و نسخه‌ها وجود دارد و اصل منابع در مخازن نگهداری می‌شود. ظاهراً همین مسئله سبب شده است تا نسخه‌های بسیار نفیس این مرکز از آسیب روزگار و چپاول غارت‌گران مصون بماند. در سفر دوم به کابل موفق شدیم از مخزن نسخه‌های خطی دیدار کنیم؛ شرایط نگهداری نامطلوب و فضای تاریک و نمناک سبب پیدایش محیطی کاملاً مناسب برای رشد انواع آفت‌ها و قارچ‌ها شده بود. ضدعفونی محل با استفاده از روش‌های ساده و کمک به تعمیر دستگاه تهویه موجود در مخزن تنها کاری بود که در همان مرحله انجام دادیم. در حال حاضر نیز دستگاه اسکن نسخه‌های خطی از طرف کتابخانه ملی به آرشیو اهدا شده و یک دستگاه پیشرفته آفت‌زدایی نیز در حال نصب است.

دورنما

کمک و همیاری در ساخت و تجهیز کتابخانه‌های افغانستان و عموماً هرآنچه که به فرهنگ این کشور مربوط می‌شود، نه تنها اقدامی بشردوستانه، بلکه وظیفه‌ای

حیاتی بر دوش دولت و مردم ایران است که نتیجه آن حفظ و پاسداری از سرمایه عظیم زبان و ادب فارسی و میراث ایران کهن خواهد بود.

نگاه از این زاویه، هدفی اساسی را در سرلوحه برنامه‌های کتابخانه ملی قرار داده است: تأسیس کتابخانه ملی افغانستان. تاکنون کتابخانه عامه، که در واقع کتابخانه عمومی مرکزی شهر کابل محسوب می‌شود، برخی وظایف یک کتابخانه ملی را به صورت محدود بر عهده داشته است. اما نه امکانات و نه فضای محقر آن، هیچ شباهتی به یک کتابخانه ملی ندارد. پیشنهاد تأسیس چنین سازمانی از جانب کتابخانه ملی ایران به مدیر دفتر یونسکو در افغانستان طی یک جلسه حضوری ارائه و با توجه به استدلال‌های طرف ایرانی، مورد پذیرش مقدماتی واقع شد.

مسئله بعد، جنبه نوین دیگری است که بر وظایف کتابخانه ملی ایران افزوده می‌شود: از آنجا که طبق اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی وظیفه گردآوری آثار مکتوب زبان فارسی را از سراسر جهان بر عهده دارد، لزوم تدوین برنامه‌ای جامع برای آثار منتشره در کشور افغانستان، که روزبه روز در حال افزایش است، بدیهی به نظر می‌رسد.

کمک به کشور دوست و برادر افغانستان را باید از جنبه عام‌تری هم در نظر داشت. میراث گرانقدر ایرانیان و پارسیان از جانب شرق به افغانستان ختم نمی‌گردد. در شبه قاره هند، که نزدیک به چهار سده شاهد حضور زبان و ادب پارسی بود، نیاز به ارتباط فرهنگی بیشتری احساس می‌گردد و این وجه اشتراک به زبان فارسی محدود نمی‌شود، بلکه دین مبین اسلام، مهمترین عامل در راه پیوند میان این کشورهاست. آنچه که اقبال لاهوری بر آن پای می‌فشرد و خلیلی، شاعر برجسته افغان را بر آن می‌دارد تا بر مزار آن آموزگار بزرگ شرق چنین بسراید:

با رموز بیخودی راز خودی آمیختی

مشت خاک مرده را رفتار آب آموختی

کاروان در راه و منزل دور و دشمن در کمین

رهروان شرق را درس شتاب آموختی

ملت توحید را از مکر دنیای فرنگ

حرف حرف و فصل فصل و باب‌باب آموختی

در کهن تاریخ شرق انگیختی شور نوین

شوکت پارینه را عهد شباب آموختی